

نقش ابلیس و یاران او در زندگی غیر توحیدی بشر (با تأکید بر آراء و اندیشه‌های امام خمینی (س) و آیت‌الله جوادی آملی)^۱

حسین مستوفی^۱، مهوش شاه محمدی^۲، پیمان رحیمی مقدم^۳

^۱ حجت الاسلام والمسلمین مستوفی، مدیر گروه معارف مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ایران

^۲ مدرس دانشگاه، کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی، تهران، ایران

^۳ کارشناس ارشد مهندسی نانومواد، کرمانشاه، ایران

چکیده

بشر در طول تاریخ همواره برای به دست آوردن آرامش جان و روان خود تلاش نموده که در این مسیر پیوسته با شرایط، مسائل و مشکلات جدیدی روبه‌رو شده است. از منظر اسلامی تنها راه رسیدن به آرامش، در یافتن هویت حقیقی انسان خلاصه می‌شود و «دین» سازنده آن هویت حقیقی است. اما آنان که «دین» را مانع منافع خود می‌دانند، با القای نظریه‌های بی‌دینی در جامعه، دین را به صورت تفکری خرافه و موهوم قلمداد می‌نمایند. عده‌ای دیگر در عصر حاضر با الهام‌گیری از شیاطین و اجنه و با بکارگیری امکانات و تکنولوژی‌های جدید، اهداف و تفکرات خود را در اشکال گوناگون جایگزین دین حقیقی می‌سازند. از منظر عرفا برای رهایی انسان امروزی از بی‌هویتی دینی و حفظ ارزشها؛ شناخت و جریانه‌های مخالف دین ضروری می‌نماید. این مقاله با تأکید بر آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله جوادی آملی به عنوان عرفای معاصر ابتدا به توصیف برخی مفاهیم دین‌شناسی از جمله: تعریف دین، اهداف دین، مکاتب توحیدی و غیرتوحیدی می‌پردازد، سپس با اشاره به تاریخچه ادیان بشری، جلوه‌های جدیدی از مکاتب غیرتوحیدی را که در ارتباط با شیطان و جن در عصر حاضر به صورت و اشکال مختلف مطرح هستند، بیان می‌نماید.

واژگان کلیدی: تعریف دین، اهداف دین، مکاتب توحیدی، مکاتب غیر توحیدی، وهم و خیال، تسخیر جن، نمادهای شیطان، فراماسونری

^۱ داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

مقدمه

انسان با گرایش و کششی درونی همواره به دنبال مسیری جهت به آرامش رسیدن جان و روح خود است و در هر زمان و مکانی برای نیل به این مقصود در تکاپو بوده که حاصل این تلاش در طول زندگی بشری ظهور و نمود داشته است. در این میان آنچه که به ظهور رسید، تعیین مسیری است که در آن، راه و روشی تبیین شد که همان معنا و مفهوم «دین» را به دنبال دارد. آن چیزی که بشر، طالب است این است که به روحش آرامش بدهد. و آن چیزی که آرامش می‌آورد مذهب است. (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱: ۴)

و به تعبیری: به علت نیاز بشر، دین همزاد انسان است. (ر. ک: جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۱۶) و دین، هویت بشر را می‌سازد. (ر. ک: جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن ۱۳۸۱: ۳۴۴)

در اثبات این مدعا و قضیه باید گفت به لحاظ تاریخی، سیر در تاریخ ادیان به روشنی گواه تحولات فکری بشر و بروز اعتقادات مختلف در میان انسانها در ادوار مختلف است؛ بنابراین می‌توان گفت که انسان به صورت فطری تمایلی خاص به یافتن مسیری جهت آرامش دادن به روح خود دارد و به تعبیری: دلیل فطری آن گرایش به قدرت هستی محض و قدرت مطلق الهی است. (ر. ک: جوادی آملی، فطرت در قرآن ۱۳۸۴: ۶۶)

از اینرو انسان با توجه به رابطه قلبی خود به دنبال «فطرت توحیدی» است، از طرفی «عقل»، ملاک اولیه فهم و ادراک بشری از موضوعات مختلف است و باعث برتری انسان بر دیگر موجودات هستی است. رابطه بین عقل و دین یک رابطه متقابل است و این رابطه گویای این مطلب است که انسان با عقل خود به واسطه فهم دینی‌اش، احکام الهی را درک می‌نماید. پس: اساسی‌ترین و روشن‌ترین دلیل و کاشف دین، عقل برهانی است. (ر. ک: جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۳۱) و عقل در برابر دین نیست بلکه بخشی از قلمرو آن است.

جدایی عقل و علم از دین هم، تصویری غیرعالمانه و غیرعقلانه است. این گستره وسیع که از سویی با وحی و سنت و نقل و از سوی دیگر با علم برهانی و عقل و اندیشه بشری، مرتبط است و ما آن را دین می‌نامیم، سازنده هویت حقیقی انسان است و آدمی با هر هویتی که ساخته شد، می‌میرد و با همان هویت، محشور می‌شود. (جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن ۱۳۸۱: ۳۴۴)

طبق تفکرات دینی اساساً عتاب و خطاب خداوند به انسان به واسطه عقل است و عقل، یکی از ادله فقهی است و در فقه شیعه نیز عقل در کنار کتاب، سنت و اجماع از منابع استنباط احکام شرعی به شمار می‌آید و به تعبیری:

همه فرمان های عقل برهانی، برخاسته از حوزه دین، تلقی می‌شود و تمام علوم بشری که از عقل کامل انسان، سرچشمه گرفته است و ارتباط عملی با جامعه بشری دارد، یا واجب است و یا مقدمه آن یا حرام... بنابراین همه آنها را باید از قلمرو دین خدا به شمار آورد. (جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن ۱۳۸۱: ۳۴۴)

اما دین چیست و در چه معنا تجلی می‌یابد؟ برای درک صحیح از مفهوم و چیستی «دین»، باید ماهیت و مفهوم دین مشخص گردد لذا به منابع معتبر دینی رجوع نموده تا معنا و مفهوم صحیح دین را از منظر بزرگان دینی بیابیم.

۱- مفهوم دین**۱-۱- تعریف دین**

از جمله تعاریفی که امام خمینی برای دین بیان نموده با عبارات و عناوینی چون: جزا و پاداش، قانون و روش زندگی، فطرت خدایی، تسلیم در پیشگاه حق و... می‌باشد:

«دین حق همان اسلام و تسلیم در بارگاه حق تعالی است». (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۹: ۲۳۴) «ایمان به خدای تعالی و ملائکه و کتب و رسل و یوم قیامت، دین قیّم محکم مستقیم حق است در تمام دوره زندگی عائله سلسله بشر». (امام خمینی، چهل حدیث ۱۳۷۵: ۱۸۲)

آیت الله جوادی آملی دین را در معنای لغوی به معنای: انقیاد، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا و در معنای اصطلاحی به مجموعه همه عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات برای اداره امور جامعه انسانی بیان نموده‌اند و اگر مجموعه، حق باشد، دین حق و در غیر این صورت آن را دین باطل و یا التقاطی از حق و باطل می‌دانند. (ر.ک: جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت ۱۳۸۶: ۱۱۰)

حال سؤال اینجاست که آیا در گذر زمان، خطوط و اصول کلی دین قابل تغییر است و چه تغییری می‌کند؟ در جواب باید گفت چون فطرت انسان‌ها تغییر نکرده و نمی‌کند، پس دین الهی با اینکه گذشته‌ای طولانی را سپری کرده، تا زمانی که انسان هست، تغییر نکرده و نمی‌کند. (ر.ک: جوادی آملی، روابط بین الملل ۱۳۸۸: ۲۹)

بنابراین براساس فطرت و تغییرناپذیری آن، اهداف پیامبران در ادیان الهی پایه‌ریزی شده است، زیرا «کلُّ مولودٍ یولدُ علی فطرته» هر مولودی بر فطرت پاک (توحید) به دنیا آمده است، (عوالی اللثالی؛ ج ۱، ص ۳۵، فصل چهارم، ح ۱۸). فطرت الهی همان توحید است و نشر و بسط توحید، مأموریتی برای پیامبران بود که می‌بایست بر مبنای فطرت به هرگونه که در زمان آنان امکانپذیر بود و شرایط اقتضا می‌نمود به مردم تفهیم می‌نمودند.

امام خمینی با استناد به آیه شریفه، اهمیت توحید را بیان می‌نماید.

در آیه شریفه «فطرة الله التي فطر الناس عليها (روم / ۳۰)» دین را عبارت از فطرت الله دانسته، و دین شامل توحید و دیگر معارف شود. (امام خمینی، چهل حدیث ۱۳۷۵: ۱۸۰ و نیز ر.ک: امام خمینی، چهل حدیث، حدیث فطرت؛ امام خمینی صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۳۳ و ج ۲۰، ص ۴۳۸)

از طرفی، روز قیامت به تعبیری روز دین است؛ از آن جهت که آثار حقیقی دین در آن ظاهر می‌شود. آنچه فرد بر اساس دینداری بدان تمسک جسته و بدان عمل کرده به عیان می‌بیند و پاداش آن را دریافت می‌دارد و به تعبیر امام خمینی که بیان می‌دارند که شاید مراد از «دین»، شریعت حقه باشد چون در روز قیامت آثار دین ظاهر گردد و حقایق دینی از پرده بیرون افتد. و روز قیامت هم «یوم الله» است و هم «یوم الدین» است، زیرا که روز ظهور سلطنت الهیه و روز بروز حقیقت دین خدا است (ر.ک: امام خمینی، آداب الصلوة ۱۳۷۳: ۲۷۶، ۲۷۵)

بنابراین تنها پیوند انسان و دین، پایدار بوده و هرگونه رابطه قومی و قبیلگی و اجتماعی و... فقط تا هنگام مرگ دوام دارد. (ر.ک: جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن ۱۳۸۱: ۳۴۴) درقرآن سوره طارق، آیه ۹ از قیامت چنین یاد می‌کند که «یوم تبلی السرائر» روزی که پرده‌ها فرو افتند و میان دنیا و آخرت جمع بسته شده است و از حالت‌های قیامتی اینکه انسان سالک کوی حق، گویی «مالک یوم دین» را می‌بیند. (ر.ک: جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن ۱۳۸۱: ۶۹)

۲- مکاتب فکری

نوع نگرش انسان، منشأ اعتقاد و باورهای او شده و به دنبال این نگرش و تفکر پیرو مکتبی خاص می‌گردد. مکاتب فکری به تعبیر امام خمینی به دو دسته توحیدی و غیرتوحیدی و یا به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی به دو دسته وحیانی (الهی) و بشری تقسیم می‌شوند.

ادیان بشری، ادیانی است که ساخته انسان است و او به سبب برخی نیازهای روانی یا اجتماعی‌اش به پیروی از باورها و عقاید و رفتارهایی کشانده شده است؛ مانند بت‌پرستی یا اعتقاد به نیروهای جادویی و مانند آن که همگی ادیانی بشری است. ادیان الهی و وحیانی، ریشه در غیب دارد و پایه و اساس آن‌ها بر وحی و پیام الهی استوار است. انسان، سازنده دین الهی نیست، بلکه دریافت کننده پیام الهی است که باید به آن اعتقاد پیدا کند و به محتوای وحی ملتزم شود و سلوک فردی و اجتماعی خود را بر اساس آن تنظیم کند. (جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۲۵)

در دیدگاه امام خمینی مکاتب غیرتوحیدی شامل مکتب‌های ضد توحیدی و مکتب‌های بیطرف نسبت به توحید بوده و اهداف آنان را در توجه به عالم ماده و بازداری از توحید بیان می‌دارند. (ر.ک: امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۹: ۲۸۸)

۲-۱- مکاتب توحیدی (الهی - وحیانی)

در مورد مکاتب توحیدی باید گفت که مکتب توحید، ره‌آورد انبیاست که از امتیازات این مکتب، تربیت انسان برای رسیدن به کمال و آرامش واقعی است. فقط در مکتب انبیاست که «ماوراء طبیعت» به صورت صحیح مطرح است؛ البته به این معنا نیست که انبیا به این عالم کار ندارند آنها مخالف با دنیا نیستند بلکه مخالف با دل‌بستن به دنیا هستند و این دو نباید با هم اشتباه شود.

طبق نظر قرآن، ادیان الهی که منظور ادیان توحیدی است، مختص پیامبران صاحب شریعت است. قرآن درباره اهداف مشترک انبیای الهی، وحدت ادیان آسمانی و اینکه ماهیت ادیان الهی یکیست و از طرف خداست، بارها سخن گفته است. در نهایت اینکه اگر تمامی پیامبران الهی در یک برهه از زمان و در یک مکان جمع شوند هیچ اختلافی مابین آنها نیست، چون جملگی برای اطاعت از اوامر خداوند کار می‌کنند، و نزاعی ندارند و به تعبیر امام خمینی مایه تفرقه به این علت است که هر فردی بخواهد برای خودش حرکت کند و از دیگری سبقت بگیرد.

شما بدانید که اگر تمام انبیا - علیهم السلام - در یک عصر مجتمع می‌شدند، هیچ اختلافی نداشتند. (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۲۰: ۷۸ و نیز ر.ک: امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۱: ۳۸۱ و ج ۲۰، ۳۰۰)

البته باید توجه شود که از نظر قرآن دین خدا از آدم تا خاتم یکی است و تفاوت شرایع آسمانی به علت مقتضیات زمان، محیط، ویژگیها و استعداد مردم آن زمان بوده است. و به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، تفاوت شرایع هم مانند تفاوت دستورات پزشک در معالجه مرض واحد در فواصل مختلف زمانی است که در مراحل مختلف درمان مختلفی را تجویز می‌نماید و این تفاوت دارو هرگز به معنای تغییر اصول طبابت و یا تبدیل نظر پزشک نیست. (ر.ک: جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۲۰). آیت الله جوادی آملی با استناد به آیه قرآن که می‌فرماید: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (سوره مائده، آیه ۴۸) «برای هر امت شریعت و روش خاصی قرار دادیم بیان می‌دارند که شریعت‌های مختلف و متفاوت هر یک به فراخور استعداد امم و به تناسب مقام و شایستگی اولیا و انبیا آنها شکل می‌گیرند. (ر.ک: جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۲۰)

خلاصه آنکه همه انبیا یک دین آورده‌اند و پیروانشان نیز امت واحد به شمار می‌روند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونَ» (سوره مؤمنون، آیات ۵۱ - ۵۲). کلمه «هذه» در این آیه، اشاره به گروهی خاص نیست، بلکه پیروان تمامی انبیای الهی را دربرمی‌گیرد. اختلاف شرایع نیز بدان معناست که همه از نهر بزرگ دین سیراب می‌شوند؛ ولی راه‌های ورود به شریعه مختلف است: (لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا). (سوره مائده، آیه ۴۸) بر همین اساس که خطوط کلی دین (مانند قیامت، بهشت، جهنم، وحی و رسالت، عصمت و...) اموری ثابت‌اند، هرگز نسخ در آن راه پیدا نمی‌کند، به همین جهت ادیان مصدق یکدیگرند: (مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ). (سوره آل عمران، آیه ۳). (جوادی آملی، روابط بین الملل ۱۳۸۸: ۳۱)

بنابراین طبق نظر قرآن «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ... (آل عمران / ۳۳ و ۳۴)، خداوند از میان انسانها چهره‌های برجسته‌ای را برای رسالت برمی‌گزیند و در میان پیامبران، «پیامبران اولوالعزم» رسالت خود را همراه با «شریعتی نوین» متناسب با مقتضیات آن زمان برای مردم به ارمغان آوردند.

در دیدگاه امام خمینی آنچه در این مکاتب دیده می‌شود اتصال به نظام توحیدی است و هر کس در هر جایی که هست برای یک مقصد کار می‌کند؛ نظامی که همه مقصدشان یکی باشد؛ البته به این معنا نیست که هرج و مرج باشد بلکه بالا و پایین نباشد، همه دنبال حکم خدا باشند. هر کس برای رضای خدا کار کند و ظلم نکند، این جامعه توحیدی است که انسجام آن به گونه‌ای است که همه یک موجود بشوند و این مقصد واحد، همان غایت مکتب توحید است و زیباترین مثال برای جامعه توحیدی بدن انسان است که چشم و گوش و دست و پا، همه اعضا فرمانبردار از مغز هستند و هیچکدام تخطی نمی‌کنند. مکتب‌های توحیدی - که در رأس آنها مکتب اسلام است - در عین حال که به مادیات و با مادیات سر و کار دارند، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات، (ر.ک: به صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۲۵۵) حجاب آنها برای معنویات نباشد.

مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند؛ به خدمت معنویات می‌کشند، در عین حالی که نسبت به مادیات نظر دارند، نسبت به زندگی دنیا نظر دارند، در عین حال مردم را متوجه به معنویات می‌کنند و از ظلمت ماده نجات می‌دهند. توجه به ماده و به مادیات به طوری که تمام توجه به مادیات باشد، ظلمت است؛ ظلمات است، و انسان را به ظلمات می‌کشد. (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۹: ۲۸۸، ۲۸۹)

مکتبهای توحیدی نمی‌خواهند فتح کنند بلاد را؛ و نمی‌خواهند با مردم با خشونت رفتار کنند. آنها می‌خواهند مردم را از ظلمتهای ماده به نور بکشند؛ به طرف خدا بکشند؛ توجه به خدا بدهند. و لهذا تا آنجا که امکان دارد در مکتبهای غیر مادی مدارا هست؛ خوشرفتاری هست؛ دعوت هست. تا آنجایی که ممکن است با دعوت مردم را برمی‌گردانند به عالم نور و هیچ وقت درصدد جنگ و جدال نیستند، مگر اینکه احساس کنند توطئه است. اگر احساس توطئه کردند به حسب دستور قرآن و به حسب دستور اسلام با آنها با شدت رفتار می‌کنند. تا احساس توطئه نشده است همه را آزاد می‌گذارند هر چه می‌خواهند اختیار کنند. وقتی احساس توطئه شد، با شدت رفتار می‌کنند. (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۹: ۲۸۹)

۲-۱-۱- ره آورد انبیا و مکاتب توحیدی

سیر دین به سوی کمال یک سیر صعودی است و دین می‌خواهد انسان را بالا ببرد. از طرفی دیگر انسان هر چیزی را در قالب وضع زندگی موجود خودش می‌شناسد و همانگونه که افراد مختلف به لحاظ قوای جسمانی با یکدیگر متفاوتند به لحاظ قوای عقلی نیز متفاوتند، از اینرو قالبهای شکل گرفته ذهن آدمی برای بالابردن کمالش کافی نیست؛ نتیجه آنکه اگر دین در اختیار انسانها باشد، دین را در همین قالبهای پرورش یافته ذهن خود تفسیر می‌کنند.

عقل برای شناخت دین، لازم است، ولی کافی نیست. (جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۱۷۳) انسان در بُعد اندیشه، بسیاری از معارف و حقایق علمی را نمی‌داند و در جهت عمل نیز فاقد بسیاری از فضایل اخلاقی و عملی است و دین، همان حقیقتی است که حقایق علمی و فضایل اخلاقی را برای تحصیل کمال اختیاری در دسترس او قرار می‌دهد. از این‌رو، خدای سبحان راهنمایانی را برای تعلیم معارف و حقایق علمی موردنیاز انسان و تکمیل جهت نفسانی‌اش به سوی او مبعوث می‌کند و انسان با پذیرش اختیاری آن معارف و فضایل، به سوی کمال حرکت می‌کند؛ بر خلاف برخی موجودات که بدون علل و عوامل ظاهری به سوی کمال سیر می‌کنند. (جوادی آملی، انتظار بشر از دین ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲)

اگر نیاز انسان محدود به عالم طبیعت می‌شد، آمدن انبیا لزومی نداشت و زندگی انسان مانند حیوانات گذران می‌کرد؛ در صورتی که انسان مافوق حیوانات و نیازمند تربیت روحی و عقلی و جسمی است، به تعبیر امام خمینی عالم مدرسه است و مدرسین آن انبیا و اولیاءالله هستند و مربی این معلمین خداوند تبارک و تعالی است. از این‌رو دین باید در دست انسانی باشد که انسانی کامل بوده و از دیدگاه و افق بالاتر به مسائل بیندیشد که همان فرستادگان و رسولان وحی‌اند.

البته باید دانست نیاز انسان به تربیت یک طرفه است و خداوند هیچ گونه نیازی به تربیت ما ندارد و سود و زیانی به او نمی‌رسد. فقط باعث به سعادت رسیدن و یا شقاوت خود انسان می‌شود. به تعبیر آیت الله جوادی آملی، انسان کامل بر این اساس که هدایت‌گر دیگران است کسی است که هم از راه تعقل و تفکر بهره ببرد و هم از راه تهذیب و تزکیه نفعی عاید او شود؛ زیرا انسان کامل هم معلم متفکران و صاحب‌نظران است و هم مربی مهربان و صاحب‌دلان، لذا باید خود جامع هر دو کمال باشد. (ر. ک: جوادی آملی، فطرت در قرآن ۱۳۸۴: ۳۲۵-۳۲۶)

بنابراین آنچه پیامبران به عنوان پیغام و سفارش خدا به مردم رساندند دین بود؛ یعنی روشی که انسان را به سعادت واقعی می‌رساند؛ دین سیر صعودی را پیموده و رو به تعالی و تکامل بوده است تا اینکه در دین اسلام به عالی‌ترین سطح بیان شد.

«دین حق همان اسلام و تسلیم در بارگاه حق تعالی است.» (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۹: ۲۳۴)

اسلام دین خاتم است، زیرا خدای سبحان تمامی نیازمندی‌ها و تحولات زندگی بشر را تا روز رستاخیز پیش‌بینی کرده است و قواعدی کلی را که هر یک منشأ فروع گوناگونی است، فرستاده و راه‌های استفاده از این قواعد را نشان داده و پیمودن این راه را بر عهده‌ای واجب کرده است: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (سوره توبه، آیه ۱۲۲) فقها نیز در پی

استفتای مردم و با توانمندی خاصی که در استنباط احکام دارند، از مجموع آیات و روایات و عقل جواب می‌خواهند و این ادله سه‌گانه نیز پاسخگوی استعلام آن‌هاست و مجتهدان از این راه جوابگوی جامعه‌اند و این سیر، تحقیق است نه تغییر. (جوادی آملی، روابط بین الملل ۱۳۸۸: ۳۱-۳۲)

خداوند به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: حق از پروردگار تو سرچشمه می‌گیرد: «الحق من ربک» (سوره آل عمران، آیه ۶۰) نیز در جای دیگر فرمود: به دین حق، متدین نمی‌شوند: «و لا یدینون دین الحق». (سوره توبه، آیه ۲۹) اسلام، دین الهی است که ره‌آورد همه انبیاست؛ چنان‌که خداوند فرمود: «إنّ الدّین عندالله الإسلام» (سوره آل عمران، آیه ۱۹). اسلام، دین حقی است که اگر کسی جز آن را انتخاب کند، مقبول خداوند نیست: «ومن یتبغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه» (سوره آل عمران، آیه ۸۵)؛ هر کس که آیینی جز اسلام را انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد. (جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۲۸-۲۹)

۲-۱-۲- اهداف ادیان توحیدی

انسان با اراده خود و تلاش عقلانی و با کمک و رهنمودهای انبیا یعنی استمداد از عقل و نقل به یکسری اعتقادات دست پیدا کرد که این باورهای دینی باعث شکل‌گیری هویت او در جهت رسیدن به آرامش در دنیا و سعادت در آخرت شد. از جمله اهدافی که می‌توان برای دین برشمرد: شناخت خدا، کنترل انسان، سعادت در دنیا و آخرت و در نهایت نورانی شدن انسان است.

۲-۱-۱- شناخت خدا، علت فاعلی

خداوند، علت و مبدأ فاعلی دین است و مجموعه دین با اراده الهی در اختیار انسان قرار می‌گیرد که وی می‌تواند از راه وحی و عقل به آن دست یابد. (جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۳۰)

عمده مقصد و مقصود انبیاء عظام و تشریح شرایع و تأسیس احکام و نزول کتابهای آسمانی، خصوصاً قرآن شریف جامع که صاحب و مکاشف آن نورِ مطهر رسول ختمی صلی الله علیه و آله است، نشر توحید و معارف الهیه و قطع ریشه کفر و شرک و دوبینی و دوپرستی بوده، و سرّ توحید و تجرید در جمیع عبادات قلبیه و قالبیه ساری و جاری است. (امام خمینی، آداب الصلوة ۱۳۷۳: ۱۵۳)

۲-۱-۲- کنترل انسان

آنی که انسان را به راه می‌آورد و کنترل می‌کند و راهش را معین می‌کند، آن دیانت است که می‌تواند کنترل کند. آن اعتقاد به یک مبدأ و یک معاد است که می‌تواند انسان را باز دارد از اینکه در خلوت هم که هیچ کس نباشد خلاف نکند. (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۴: ۴۰۲)

انبیاء، علیهم السلام، آمدند، قانونها آوردند و کتابهای آسمانی بر آنها نازل شد که جلوگیری از اطلاق و زیاده‌روی طبیعت کنند و نفس انسانی را در تحت قانون عقل و شرع درآورند و آن را مرتاض و مؤدب کنند که خارج از میزان عقل و شرع رفتار نکند. پس هر نفسی که با قوانین الهیه و موازین عقلیه ملکات خود را تطبیق کرد، سعید است. (امام خمینی، چهل حدیث ۱۳۷۵: ۱۷)

۲-۱-۳- نورانی شدن انسان

خداوند در بیان هدف نهایی دین فرمود: «کتاب أنزلناه إلیک لتخرج الناس من الظلمات إلی النور یاذن ربهم إلی صراط العزیز الحمید» (سوره ابراهیم، آیه ۱)؛ ... هدف نهایی دین الهی، نورانی شدن انسان است. انسانی که نور آسمان‌ها و زمین را شهود کند: «نورالسماوات والأرض» (سوره نور آیه ۳۵)، به اندازه سعه هستی خود، مظهر این نور می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر هستی او وسیع بود، مظهر اسم اعظم می‌شود؛ و گرنه مظهر سایر اسمای الهی خواهد شد. انسان نورانی، سعادت دنیا و آخرتش به صورت کامل و نهایی تأمین است. (جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۳۱)

انبیا هم که مبعوث شدند، برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را و آن استعدادها را شکوفا کنند. (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۷: ۵۲۷)

هدف میانی دین، قیام مردم به قسط و عدل است و هدف نهایی آن، نورانی شدن انسان به نور الهی است. (جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۲۹)

۲-۱-۲-۴- سعادت در دنیا و آخرت

علت و مبدأ غایی دین به دو غایت میانی و نهایی منشعب می‌شود که جامع آن تحقق سعادت دنیا و آخرت است. (جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۲۹)

آنچه در آن، اعمال اکراه و اجبار می‌توان نمود صورت دین الهی است نه حقیقت آن (همان حقیقت توحید است و آن نهایت مقصد و هدف انبیاست) انبیاء علیهم السلام مأمور بودند که صورت را با هر طور ممکن است تحمیل مردم کنند تا صورت عالم صورت عدل الهی شود و مردم را ارشاد به باطن نمایند تا مردم به قدم خود آن را بیمایند و به سعادت برسند. (امام خمینی، آداب الصلوة ۱۳۷۳: ۳۷)

انسان در آیات شریفه کتاب الهی و در قصص و حکایات آن باید مقصود و نتیجه انسانی، که سعادت است، به دست آورد. (امام خمینی، آداب الصلوة ۱۳۷۳: ۲۰۵)

۲-۲- مکاتب غیر توحیدی (بشری)

تمام سعی و تلاش و اندیشه این مکاتب در راستای طبیعت و نیازهای مادی انسان بوده، گرچه به پیشرفتهایی نیز دست یافتند ولی محدود به طبیعت می‌باشند و توجهی به عالم غیر ماده و نورانیت ندارند چون منبعث از نظر و نگاه مادی است و به تعبیر امام خمینی، مکاتب غیر توحیدی مردم را از توحید و عالم نور بازمی‌دارند و به عالم ظلمت دعوت می‌کنند. (ر.ک: امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۹: ۲۸۸) و تمام زحمات تمام زحمات مادیین که مربوط به مکتب الهی نباشد، صرف ادراک طبیعت و خصوصیتی که در طبیعت است می‌شود و استفاده از طبیعت، آن هم طبیعت انسان از طبایع عالم. هر چه نگاه بکنید از این تمدنهای بزرگ، جدید و از این پیشرفتهای عظیم انسانی، می‌بینید که همه آن مربوط به همین طبیعت است و مربوط به استفاده انسان از طبیعت است. (ر.ک: همان؛ ج ۴، ص ۱۸۶ و نیز ج ۹: ۱۱)

در نهایت علل دین باطل از دیدگاه آیت الله جوادی آملی بدین گونه است:

علل چهارگانه دین باطل، عبارت است از: ۱. مبدأ فاعلی آن که هوا و هوس انسان است: «أفرأیت من اتخذ إلهه هوا» (سوره جاثیه، آیه ۲۳). ۲. مبدأ صوری آن که عقاید، اخلاق و مقررات وهمی و خیالی است، نه حقایق و مقررات عقلی؛ زیرا هوا و هوس هرگز با عقل و قلب کار ندارد؛ حتی سدّ راه چشم و گوش است که به سوی حق باز می‌شود. به دیگر سخن، دین باطل از نظر دانش و بینش به محدوده وهم و خیال وابسته است و از جهت گرایش عملی به شهوت و غضب ارتباط دارد. ۳. موضوع و محل دین باطل، انسانی است که به تباهی تن داده است. ۴. هدف غایی دین باطل نیز سقوط در جهنم است. به بیان دیگر، محصول دین باطل، سقوط انسان در جهنم است که برای ابد در آن معدّب است: «و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجنّ و الإنس» (سوره اعراف، آیه ۱۷۹). (جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۳۲)

واقعتهای تاریخی نشان می‌دهد که با وجود گسترش و پیشرفت تمدن بشری و اعتقادات عقلانی، باورهای دینی در هر زمانی وجود داشته است. و به تعبیری محققان با پژوهش‌های تاریخی خویش، هیچ قومی از اقوام بشری را نیافته‌اند که صاحب نوعی دین نبوده باشند؛ چنان‌که جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی، بیش از نود و پنج درصد انسان‌ها را معتقد به خداوند، و متدین به دینی از ادیان می‌داند و این واقعیت، مُبطل این نظریه است که با پیشرفت اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط می‌یابد. سرّش این است که انسان، دارای سرشت و فطرت دینی است و هویت بافت وجودی او در متن خلقت با دین عجین شده است. (ر.ک: جوادی آملی، دین‌شناسی ۱۳۸۷: ۱۶) در کتب تاریخ ادیان نیز این موضوع به اثبات رسیده است و در این کتب به موضوعاتی نظیر: ادیان ابتدایی، ادیان قدیم، ادیان خاور دور، ادیان هند و بودا و ادیان ایران

باستان و همچنین ادیانی که از دیدگاه اسلام دین الهی محسوب می‌گردند و در جهان از پیروان بسیاری برخوردار می‌باشند شامل یهود، مسیحیت و اسلام بطور مفصل پرداخته‌اند.

۲-۲-۱- پیشینه تاریخی ادیان بشری

بیان سیر تاریخی ادیان و تطبیق آن در عصر کنونی، فرضیه این مقاله، یعنی بروز همان ادیان و صور پیشین به اشکال مختلف در عصر امروزی را به اثبات می‌رساند از اینرو به صورت فهرستوار به روند برخی از تحولات در ادیان بشری با استناد به کتب تاریخ ادیان (تلخیص از کتب ادیان: جان بی. ناس ۱۳۷۷ و غلامعلی آریا ۱۳۷۷) اشاره می‌شود از جمله:

۱- ادیان ابتدایی: عقاید انسانها در این دوره به اشکال مختلف نمود و ظهور پیدا کرده است از جمله: الف) اعتقاد به مانا (Mana) که وجود نیروی غیر ثابت، غیر مشخص، مرموز و غیبی در اشیاء که خاصیت انتقال از اشیاء جامد به افراد زنده را دارد. مانا بیشتر در موجودات و اجسام مقدس وجود داشته و انسان مانایی دارای قدرت فوق‌العاده غیرطبیعی می‌باشد.

ب) تابو (Tabu) کسانی که معتقد به تابو هستند، تصور می‌کنند که به علت وجود نیرویی خاص در درون بعضی از اشیاء و افراد، بی‌حرمتی و دست‌درازی به آنها یا لباس و وسایل‌شان خطرناک است. آنها این عمل را حرام دانسته و این حرمت را تابو می‌نامند. نقض حرمت تابو گاهی از طریق قدرتهای مافوق طبیعی و در برخی موارد از طریق قوانین جامعه کيفر دارد و تابو مثل حرام در ادیان توحیدی است. ممکن است رئیس قبیله تابو باشد. در بعضی از قبایل جسد مرده، آدم غریبه، ازدواج با دختران قبیله و ... تابو هستند.

ج) توتم (Totem) هر قبیله‌ای با حیوانی احساس نزدیکی و خویشاوندی نموده و آن حیوان توتم و حامی آنها مشخص می‌گردد. حیواناتی مانند طوطی، خرس، گرگ، مار، شیر، طاووس و... توتم هستند، البته نحوه توتم‌پرستی به اشکال مختلفی است و جامعه‌شناسان درباره توتم و توتم‌پرستی کتابهایی نوشته‌اند.

د) سحر: اعتقاد به سحر یعنی با تکرار بعضی از کلمات و یا انجام بعضی از اعمال توانایی قبضه قوای غیبی جهان بدست آمده و این تسخیر در ۳ موضوع است:

۱) فیتیش (Fetish) استمداد از نیروهای نهفته در اشیاء بی‌جان مانند سنگهای آسمانی یا شاخ گوزن؛ که مرحله تکامل یافته فیتیش بت‌پرستی بوده است؛ می‌توان چنین موردی را در مردم بابل مشاهده کرد که تا پیش از ظهور حضرت ابراهیم (ع) بت‌پرست بودند؛

۲) شمن (Shaman) به معنی به تصرف درآوردن قوای غیبی جهان است به گونه‌ای که یک نفر شمنی در بدن انسان دیگر تأثیر می‌گذارد؛

۳) سحر عوامانه: تمام افراد قبیله (نه فقط ساحر و کاهن) با خواندن وردهایی به تصور خود زشتی‌ها و پلیدیها را به یک حیوان که قبلاً انتخاب کرده‌اند، منتقل می‌کنند و بعد از خواندن ورد آن حیوان را یا می‌سوزانند و یا در آب غرق می‌کنند.

ه) آنیمیسیم (Animism) اعتقاد به آنیمیسیم یعنی اینکه همه موجودات در طبیعت، ساکن یا متحرک و مرده یا زنده، دارای روح و روان هستند و این ارواح می‌توانند در سرنوشت انسان تأثیر داشته باشند و نمونه بارز آنیمیسیم ستاره‌پرستی است. همچنین از اعتقاد به جن و پری و دیو و غول و تناسخ می‌توان به عنوان اعتقادات آنیمیسیم نام برد.

از جمله دیگر اعتقادات در ادیان ابتدایی می‌توان از پرستش مظاهر طبیعت به اشکال گوناگون، قربانی کردن برای نیروهای غیبی، احترام به مردگان، پرستش اجداد و اختراع اسطوره‌ها بواسطه افسانه‌هایی که در خواب و رویا دیده‌اند یاد کرد.

۲- ادیان قدیم: منظور ادیانی است که در بین تمدنهای قدیم بوده امروزه یا کلاً منسوخ شده و یا تکامل یافته آن مطرح است از جمله این ادیان می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

الف) دین مصریان قدیم: از نظر اعتقادی در میان مردم مصر قدیم پرستش خدایان متعدد و بت‌پرستی رایج بود از جمله:

(۱) پرستش آفتاب: مصریان در آن زمان برای ساعاتی در طول روز که خورشید نمایان می‌شد خدایانی مطرح کرده و می‌پرستیدند مانند خپرر (Kheprer - خورشید صبحگاهی)، رَع (Ra - خورشید نیم روزی) و آتوم (Atum - خورشید شامگاهی)؛

(۲) فرعون پرستی: اعتقاد به اینکه فراعنه فرزندان خدای خورشید بوده و به یاری آنان زمین را با نظم اداره می‌کنند؛

(۳) افسانه خدایان سه‌گانه: اوزیریس (خدای نیل) و ایزیس (خدای زمین) و هوروس (خدای آفتاب).

(ب) دین مردم بین‌النهرین قدیم (بابل): ریشه این دین را باید در تاریخ سومریها و اکادیهها جستجو نمود که از عقاید فیتیشیزم و آنیمیزم شروع و به صورت چندگانه پرستی یا «پولی تثیزم» تکامل یافت و خدایان ششگانه که دو تنلیث را تشکیل می‌دادند ... و

(ج) دین مردم یونان: در آن دوره، از لحاظ دینی و اعتقادی، توت‌پرستی، آنیمیزم، جادوگری و پولی‌تثیزم رواج داشت که می‌توان موارد ذیل را از مصادیق بارز پولی‌تثیزم دانست:

۱- زئوس پاتر (Zeus pater - پدر آسمان که در بین رومیان به «ژوپیتر» موسوم است)؛ ۲- خدای آپولو (Apollo - خدای آفتاب)؛ ۳- خدای پوزیدون (Poseidon - خدای دریاها)؛ ۴- خدای هستیا (Hostia - خدای مونث)؛ ۵- خدای دمی‌تر (Demeter - مادر زراعت)؛ ۶- خدای هرمس (Hermes - خدای حکیم)؛ ۷- خدای آرس (Ares - خدای جنگ)؛ ۸- خدای کروونوس (Khronos - خدای زمان) و...

(د) دین مردم روم: توت‌پرستی، آنیمیزم، سحر و ارواح، جادو، و نیز در رأس همه خدایان ژوپیتر (خدای جنگجویان) قرار داشت. عقاید رومیان قدیم به نام دین نومنا (Numena) معروف است. آنان در این دوره خدایان دیگری را هم پرستش می‌کردند که می‌توان تحت عناوین: ونوس، آپولو، هرکول و... از آنان یاد کرد.

۳- ادیان خاور دور: ادیان در این دوره شامل دین کنفوسیوس و آیین تائویی در چین و دین شینتوئیسم در ژاپن بوده است که هر کدام شامل مباحث خاص می‌باشد و در کتابهای تاریخ ادیان به صورت مفصل درباره هر یک بحث شده است.

۴- ادیان هند و بودا: ادیان در این دوران تحولات زیادی داشته‌اند و بر اساس آن تحولات به چند بخش تقسیم شده‌اند از جمله: (۱) دین ودایی؛ (۲) دین برهمنی؛ (۳) دین هندو (هندوئیسم)؛ (۴) دین جین: جینیزم (Jainism)؛ (۵) دین بودا (Buddhism)؛ (۶) ادیان جدید (سیکها).

۵- ادیان ایران باستان: از جمله ادیان مطرح شده در این دوره عبارتند از: (۱) زرتشت؛ (۲) مانی؛ (۳) مهرپرستی؛ (۴) زروانپرستی؛ (۵) مزدک و...

۲-۲-۲- تأثیرات ادیان غیرتوحیدی در عصر حاضر

توجه تمامی ادیان غیرتوحیدی و مکاتب بشری بیشتر به جنبه طبیعت و مادی وجود انسان در عالم خلقت است و در نهایت آرامش را در زندگی دنیوی و محدود دیده‌اند ولی به بُعد اخروی آن توجهی ندارند با اینکه حتی در دنیا هم به نتایج کاملی نخواهند رسید و به خطا و اشتباه می‌رسند از اینرو توجه داشته باشیم که:

دین بشری، مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که بشر با فکر خود و برای خویش تدوین و وضع کرده است. از این رو، این دین، در راستای همان خواسته، انتظارات او را برآورده می‌سازد و اسیر هوس و ابزار دست همان انسان است و انسان به گونه‌ای آن را تنظیم می‌کند که تمام قوانین و مقرراتش به سود او باشد و چیزی را بر او تحمیل نکند. (جوادی آملی، انتظار بشر از دین ۱۳۸۹: ۲۴)

اسلام بزرگ، دین توحید و شکننده شرک و کفر و بت‌پرستیها و خودپرستیهاست. دین فطرت و رهایی‌بخش از قید و بندهای طبیعت و وسواس شیاطین جنّ و انس در نهان و ظاهر است و دین سیاست‌مُدن و راهنمای صراط مستقیم لاشرقیه و لاغربیه است. دینی است که عباداتش توأم با سیاست، و سیاستش عبادت است. (امام خمینی، صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۰: ۱۵۸)

۲-۲-۱- ادیان بشری از دیروز تا امروز

در اشاره به ادیان ابتدایی در قسمت اعتقاد به مانا ذکر شد که آنان معتقدند به یک نیروی غیر ثابت و مرموز و غیبی در اشیاء که خاصیت انتقال از اشیاء جامد به افراد زنده را دارد و دیگر باورهایی که به نوعی با مباحث ارتباط با اجنه و شیاطین و القا و وهم و خیال تطابق دارد و لازم به ذکر است که موضوع جن و شیاطین در آیات متعدد قرآن ذکر شده است. در مورد اجنه نیز باید خاطر نشان ساخت که دو نوع جن داریم: مؤمن و کافر؛ که درباره آنها به تفاسیر و کتب دیگر می‌توان رجوع کرد.

۲-۲-۲-۱- جن و ابلیس

بر اساس آیات و روایات ما می‌دانیم که اجنه از آتش بی‌دود خلق شده‌اند: «ولقد خلقنا الإنسان من صلصال من حمأ مسنون والجان خلقناه من قبل من نار السموم»؛ و در حقیقت انسان را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو آفریدیم. و پیش از آن جن را از آتشی سوزان و بی‌دود خلق کردیم. (سوره حجر / آیه ۲۶-۲۷)

«جن» نیز موجودی است نامرئی که از دید ظاهری انسانها پوشیده است. (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۸۹ ج ۲: ۴۶۷) «و الجان خلقناه من قبل من نار السموم» (سوره حجر، آیه ۲۷)؛ «فَسَجَدُوا لِإِلَهِسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ» (سوره کهف، آیه ۵۰) خلقت اجنه از آتش و ابلیس از جنس اجنه بود که از دستور پروردگارش فسق ورزید. واژه ابلیس افزون بر ده بار و لفظ شیطان بیش از هشتاد بار در قرآن به کار رفته است که بیشتر به معنای ابلیس است؛ یعنی موجودی سرکش که از فرمان الهی سر باز زد. کار او فریب است و هدف و غایت اصلی‌اش پلید. (جوادی آملی، ادب قضا در اسلام ۱۳۹۰: ۱۸۲)

اجنه دارای سرعت بالایی در حرکت بوده و توانایی حمل اشیاء را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر دارا می‌باشند (جریان شهر خورشیدپرست سبا و هدهد و قدرت جایجایی تخت بلقیس، آیات ۲۰-۴۰ سوره نمل) و همچنین در هنگام نزدیکی عالم آنها به عالم ما و غلیظ شدن آنها می‌توانند خود را به صور مختلف در آورند و در نظر مردم جلوه دهند. هم فرشتگان و هم جنیان سهمی از قدرت را دارا هستند و بر انسان‌های گونه‌گون نازل می‌شوند و جن گرچه از نظر قدرت فکری و ادراک عقلی ضعیف است و حداکثر تکامل روحی او تجرد خیالی و وهمی است، لیکن از قدرت تحریکی فراوانی برخوردار است و می‌تواند با سرعت، کارهای خارق العاده انجام دهد و بار سنگینی را در کم‌ترین فرصت از جایی به جایی دیگر منتقل سازد. (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۸۹ ج ۵: ۷۱۳)

شایان گفتن است که جن از قدرت تحریکی فراوانی برخوردار و دارای قدرت آگاهی بر غیب در حد تجرد وهمی آمیخته با کذب است و ارتباط انسان با آن نیز ممکن است و آیاتی چون «قال عفریت من الجنّ أنا آتیک به قبل أن تقوم من مقامک» (سوره نمل، آیه ۳۹) فی‌الجمله دلیل بر آن قدرت تحریکی و آیه «وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَأَةً شَدِيداً وَشُهْباً وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ...» (سوره جن، آیات ۸-۹)، دلیل بر آگاهی آنان بر بعضی از اسرار غیبی گرچه آمیخته با کذب است و آیه «تَنْزَلَ عَلَيَّ كَلِّمَاتٌ أَفَّاكٌ أَتَيْمٌ» (سوره شعراء، آیه ۲۲)، دلیل بر امکان ارتباط انسان‌ها با آنها و نزول آنها بر اشخاص افّاك و تبه‌کار است، لیکن پناه بردن به جن از طریق سحر و کهنات و مانند آن هیچ سودی ندارد و قرآن کریم با لسان حصر هشدار می‌دهد که هیچ ملّتحد و پناهگاهی جز خدای سبحان نیست: «قلّ إني لن يجيرني من الله أحد ولن أجد من دونه ملّتحداً» (سوره جن، آیه ۲۲) و مستفاد از دعای بسیار لطیف مجیر نیز، شکست‌ناپذیری تنها کسی که به «جُوَار» (ناله و زاری در حال احساس خطر) پاسخ مثبت می‌دهد، خداست. (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۸۹ ج ۵: ۷۰۴)

اعراض از طبیعت

هنگامی که انسان از طبیعت فاصله بگیرد به دو گونه به الهاماتی دست پیدا می‌کند که با توجه به نوع اعراض او که به چه نحوی باشد و چه نتایجی برای او دارد، متفاوت است، گاه در اثر تهذیب نفس با فطرت پاک الهی به مقامات خاصی می‌رسد و بالعکس با توجه و انجام اعمال و ریاضات باطل به نقطه مقابل آن می‌رود.

چنانکه کسانی که به حقایق امور عالمند، یعنی خانواده عصمت آل محمد علیهم السلام فرموده‌اند که: بشر به واسطه اشتغال به عالم طبیعت از عالم غیب بی‌خبر بوده و اشتغال به هوی، غیب را بر او مستور داشته است. این است که در حیوانات، به واسطه عدم غور آنها درعالم طبیعت، این مرتبه میسر است، چنانکه انبیا وقت چوپانی می‌دیدند، گله ظاهراً بی‌جهت رم می‌کرد، جبرئیل بر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد و کیفیت را بیان نمود که آنها صدای معذبین را می‌شنوند و لذا رم می‌کنند. و البته وقتی از طبیعت اعراض شد، این معنی حاصل می‌شود؛ اعم از اینکه اعراض به واسطه فطرت سلیمه الهی باشد که به وسیله مقدسات دست می‌دهد. و یا اینکه اعراض به واسطه ریاضات باطله، مثل ریاضات درویش‌های هند باشد و چون اعراض آنها دستور شیطانی است، صداهاى جن و شیطان را شنیده و آنها را می‌بینند، ولکن کسی که برای او با مقدسات اعراض از این عالم حاصل شده؛ چون اعراض وی از جهت نورانیت و روی میزان شرع بوده؛ لذا ملائکه و وجودات نوریه را ملاقات می‌نماید. (امام خمینی، تقریرات فلسفه ۱۳۸۱ ج ۱: ۲۷۳)

از دیدگاه اسلام ارتباط با جن و جاودگری حرام است و امام خمینی در این زمینه اینگونه بیان می‌دارند:

جادو کردن و یاد دادن و یاد گرفتن و کسب کردن با آن، حرام می‌باشد؛ و منظور از جادوگری آن است که با نوشتن یا سخن گفتن یا دود نمودن یا با تصویر یا دمیدن یا گره زدن و مانند این‌ها انجام می‌گیرد که در بدن شخص سحر شده یا قلب او یا عقل او اثر می‌کند، پس در احضار او یا خواب کردن یا بیهوش کردن یا به دوستی و یا دشمنی واداشتن او و مانند این‌ها تأثیر می‌نماید. و به خدمت گرفتن فرشتگان و حاضر کردن جن و تسخیر آن‌ها و احضار ارواح و تسخیرشان و امثال این‌ها به جادوگری ملحق است. بلکه «شعبده» به آن ملحق می‌شود یا قسمی از آن است؛ و آن عبارت است از این‌که به سبب حرکت سریع، غیر واقع را واقع نشان دهد. و همچنین است «کهانت»؛ و آن عبارت است از این‌که خبر بدهد از آنچه در آینده واقع می‌شود، به اعتقاد این‌که بعضی از جن‌ها خبر آن‌را به او القاء می‌کنند، یا به زعم این‌که امور را با مقدمات و اسبابی که با آن بر زمان وقوع آن‌ها استدلال می‌کند می‌داند. (امام خمینی، ترجمه تحریرالوسیله ۱۳۷۹ ج ۱: ۵۶۶)

در توضیح اینکه چگونه فرشتگان و جنیان بر انسان نزول می‌یابند آیت جوادى اینگونه بیان می‌دارند:

روح، از جهان تجرد است و اگر سرگرمی روح از عالم طبیعت کم شود، به جهان خود که عالم غیب است سر می‌زند و می‌تواند از آن جهان ره‌آوردی داشته باشد، ولی چون معصوم نیست، گاهی بد می‌فهمد و بد گزارش می‌دهد و گاهی حق می‌فهمد و حق گزارش می‌دهد. هم فرشتگان و هم جنیان، سهمی از قدرت دارند و بر انسان نازل می‌شوند، ولی اگر کسی ارتباط آنان را، ادعا کند به آسانی راهی برای اثباتش ندارد. اما درباره اینکه فرشتگان بر انسان نازل می‌شوند، خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (سوره فصلت، آیه ۳۰) و این تنزل فرشتگان اختصاصی به حالت احتضار ندارد، بلکه در غیر حالت احتضار هم اگر کسی «الله» بگوید و روی گفته خود ایستادگی کند، فرشتگان بر او نازل می‌شوند. گاهی تصمیم‌گیری مهم و خیری بزرگ نصیب انسان می‌شود و نمی‌داند که چگونه به قلب او القا شده است؛ این همان تعلیم فرشته است که گاهی مطلب خوبی را در قلب انسان القا می‌کند. در تعبیر دیگری آمده است: علم، نوری است که خداوند در قلب هر کسی که بخواهد، وارد می‌کند.

در طرف مقابل، شیاطین هم بر انسان نازل می‌شوند که در این باره خداوند می‌فرماید: «تَنْزِلُ عَلَيَّ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ» (سوره شعراء، آیه ۲۲۲) اگر کسی اهل افک و معصیت و دروغ بود، شیاطین بر او نازل می‌شوند. پس هم شیاطین و هم فرشتگان؛ چه در جنگ و چه در غیرجنگ، بر انسان‌ها نازل می‌شوند. چنانکه خدای سبحان مؤمنین در حال جنگ را با فرشتگان، تأیید کرده است. (جوادى آملی، قرآن در قرآن ۱۳۸۸: ۱۱۸)

با نگرشی در تاریخ موارد زیادی از ارتباطات انسان با نیروهایی غیر توحیدی می‌بینیم چنانچه در گفتار نجاشی پادشاه حبشه به این مطلب اشاره شد که بت پرستان آن روحی که در کالبد بت است می‌پرستند نه خود بت را. (اشاره به فیلم محمدرسول‌الله، کارگردان: مصطفی عقاد ۱۹۷۶). آیا این روح از ارواح شیطانی اجنه کافر نیستند که توسط کاهنان معابد در طی قرون مختلف زندگی بشر از مصر باستان تا معابد چینی‌ها و مایاها احضار شده و بشر را به خطا انداخته‌اند و حتی در برخی از اقوال این

کاهنان داریم که برخی از آنان خدایان خود را با چشم سر دیده‌اند آیا خدایان آنها چیزی جز شیاطینی جنی هستند که هم خود را گرفتار آنان کرده‌اند و هم مردم را به کمک آنان به اشتباه انداخته‌اند و به گمراهی و ضلالت کشانده‌اند؟!

(<http://mobinmedia.ir/.../فيلم-استاد-سخنرانی-فيلم>)

بت‌پرستان گرچه ادعا می‌کنند که ما فرشتگان را می‌پرستیدیم ولی خداوند از آنان نمی‌پذیرد و فرشتگان نیز در عرصه قیامت ادعای مشرکان را باطل و بیهوده می‌شمردند و می‌گویند: «بل کانوا یعبدون الجنّ اکثرهم بهم مؤمنون (سوره سباء/ آیه ۴۱)؛ اینان جنّ و شیاطین را می‌پرستیدند و اکثرشان به آن‌ها گرویده بودند. پس در ادعای خود کاذبند و پیرو اغوای شیطان بودند؛ زیرا بت‌پرستان به دستور شیطان بت‌ها را معبود خود قرار دادند. این اتخاذ و عبادت به امر شیطان بود و در حقیقت معبود اولی و مُطاع اصلی آنان شیطان بود. از این‌رو در این‌باره تعبیر شد که اکثر آنان جنّ پرست بودند. (جوادی آملی، معاد در قرآن ۱۳۸۷ ج ۵: ۱۲۱)

از جمله مطالب اشاره شده در اعتقادات ادیان ابتدای بشری، قربانی کردن برای نیروهای غیبی بود، حتی در برخی نقاط انسانها را نیز برای این نیروها قربانی کرده‌اند، نکته حائز اهمیت این است که هم اکنون نیز برای بتها و این نیروهای غیبی قربانی کردن در نقاط مختلف جهان صورت می‌گیرد.

(<http://mobinmedia.ir/3115/فيلم-مستند-قربانی-کردن-انسان-در-آیین-ها>)

یا در جنگل بوهم کالیفرنیا مستندی به طور مخفیانه از جمعی از سران سیاسی آمریکا در سالهای اخیر گرفته شده که آنها حول یک مجسمه بزرگ جغد جمع شده و آتش روشن می‌کنند و برای آن قربانی می‌کنند و حتی عکسهای آن در سایت‌های اینترنتی موجود می‌باشد.

(فراماسونرها-در-بیشه-بوهم-به-دنبال-چه-هستند-عکس/ <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/97627/>)

برخی از یهودیان جهان هم اکنون نیز برای شیاطین جنی، کودکان پاک را قربانی کرده و بعد از آن طی جشنی به طور دسته جمعی زنا می‌کنند و باعث به وجود آمدن فرزندان نامشروع می‌شوند که اعتقاد دارند که این فرزندان نامشروع از اجنه کافر قدرت می‌گیرند.

(<http://mobinmedia.ir/.../فيلم-استاد-سخنرانی-فيلم>)

آیا از این اعمال قبیح و پلید چیزی جز ارتباط با شیاطین جنی نصیب آنها می‌شود؟

مطلب دیگر آنکه، در اشاره به ادیان بشری گفتیم زئوس یکی از خدایان قدیم یونانیان و ژوپیتز یکی از خدایان قدیم مردم روم و ونوس از دیگر خدایان مردم روم می‌باشد؛ که هر سه در لغت به معنی نورانی می‌باشد که هر سه اشاره به ابلیس دارد. (همان منبع)

در حال حاضر دوباره می‌توان گرایش‌های جهان غرب به این خدایان قدیم رومیان و یونانیان در سینمای هالیوود به طور مثال در فیلم‌های خشم تایتانها (کارگردان: Jonathan Liebesman, ۲۰۱۲) و اونجرز (کارگردان: جاس ودن ۲۰۱۲) به وضوح مشاهده کرد و همانگونه که در بخش مکاتب غیرتوحیدی به این مطلب اشاره شد که دین باطل از نظر دانش و بینش به محدوده وهم و خیال وابسته است و از نظر گرایش عملی به شهوت و غضب ارتباط دارد می‌توانیم هر سه عنصر شهوت، غضب و وهم و خیال در حد افراط را در جهان غرب چه در زندگی آنان و چه در فیلمها و انیمیشن‌های و بازیهای رایانه‌ای آنان به وضوح مشاهده کنیم. به عنوان مثال برای غضب بیش از حد می‌توان به مجموعه فیلمهای اره (کارگردانان: جیمز ون- لی ونل ۲۰۰۴-۲۰۱۰) و برای وهم و خیال بیش از حد می‌توان به فیلمهای مرد عنکبوتی (کارگردان: سام ریمی ۲۰۰۲) و مردان سیاه‌پوش ۳ (کارگردان: بری سانفلد ۲۰۱۲) اشاره کرد.

۲-۲-۱-۲-۲-۲ نمادهای شیطان

به اشکال زیر توجه کنید و شباهت های بین نمادهای شیطانی و فراماسونری را در حال با نمادهای جهان غرب ببینید:
شباهت بین مجسمه جرج واشنگتن و نماد شیطانی بز بافومت



شباهت بین ساختمان اتحادیه اروپا با تصویر قلعه بابل ساخته نمرد که از بالای آن به خیال خود برای خداوند یکتا تیر پرتاب کرد و بعد از آن با پشه‌ای به درک واصل شد

تابلوی نقاشی «برج بابل» (اثر پیتر بروگل ۱۵۶۳م)

(<http://fdisa.blogfa.com/post-85.aspx>)



شباهت بین نماد آبلیسک یکی از نمادهای شیطان‌ی فراماسونرها (نمادی در شهر مسیحی واتیکان) با آبلیسک رمی جمرات که ما مسلمانها به عنوان نماد شیطان به آن سنگ می زنیم



و باز هم ثمره این مکاتب غیر توحیدی و شیطان‌ی به اینها ختم نمی‌شود آنها حتی دارند ملتهای دنیا را مسخ غذایی می‌کنند حتی در کشور ما یک مدت مواد اولیه تولید ژله از بدن خوک بود که به کشور وارد می‌شد که خوشبختانه بعد از متوجه شدن از ورود آن به کشور ممانعت شد. سالانه ۱۳ میلیون سقط جنین بالای چهار ماه (یعنی بعد از دمیده شدن روح) در چین (مرکزیت بوداییها) داریم و بعد از درآوردن کبد آنها و صادر کردن آنها به عنوان طعم‌دهنده غذایی از بدن آنها سوپ جنین تهیه می‌شود. اینها می‌خواهند مردم دنیا را مردار خوار کنند!

(<http://www.zahra-media.ir/raefipour>)

۲-۲-۱-۳- یوگا

از جمله عرفان‌های غیرالهی، فراگیری تعالیم مرتبط با یوگاست. امروزه در جهان و همچنین در کشور ما شاهد برگزاری کلاسهای یوگا هستیم، البته باید متذکر شد ورزش و از جمله ورزشهای کششی و نرمشی برای انسان مفید است ولی می‌توان به جای اینگونه تعالیم که ریشه در مکتبهای غیرالهی داشته و هدفمند می‌باشند ورزشهایی هم‌مانند ژیمناستیک را جایگزین نمود و نهایت اینکه تعالیم ورزش یوگا مورد بررسی دقیق گیرد.

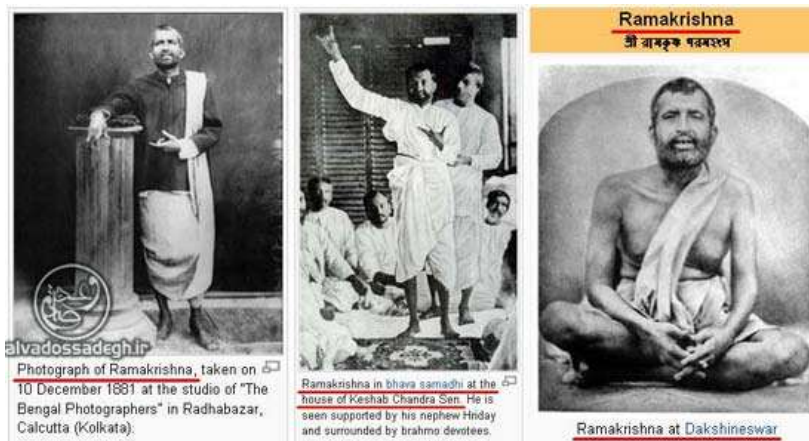
ارتباط «یوگا» با «شیطان پرستی»

مطابق گفته‌ی طرفداران «یوگا»، «شیوا: Shiva» الهه و خدای «یوگا» می‌باشد و به همین دلیل، الهه‌ی هندو «شیوا: Shiva» عمدتاً در حین انجام «مدیتیشن یوگایی» به تصویر کشیده می‌شود:

«شیوا: Shiva» الهه و خداوند تعالیم «یوگا: Yoga» می‌باشد. جالب این که تعداد زیادی از منابع مکتوب «یوگا»، فلسفه‌ی «تعالیم یوگا» را «پرستش شیوا» عنوان کرده‌اند:



تصاویری از «راما کریشنا» یکی از رهبران معروف «آیین هندو» و «تعالیم یوگا» در قرون اخیر



اگر به انگشتان دست راست راما (عکسهای وسط و سمت چپ) توجه کنیم، اشاره به نماد شیطان پرستی مشهود است. علاقه و اعتقاد فراوان «راما کریشنا» به الهه‌ی هندو «کالی» «کالی» که در برخی افسانه‌های هندو به عنوان «دختر شیوا» و در برخی دیگر به عنوان «همسر شیوا» آمده است، تجسم دیگری از «شیطان» در آیین هندو می باشد! جالب اینکه «Anton Szandor Lavey» نویسنده کتاب «The Satanic Bible: انجیل شیطانی» و رهبر سابق شیطان پرستان جهان، در مبحث «نامهای شیطانی (دوزخی): The Infernal Names» کتاب خود، نام «شیوا: Shiva» الهه‌ی هندویان و «کالی: Kali» دختر «شیوا» و یکی دیگر از الهه‌های هندویان را در کنار نامهای دیگری همچون «شیطان»، «لیلیث»، «ایشتار»، «ست» و سایر نامهای شیطانی ذکر نموده است.

«راما کریشنا» رهبر محبوب بسیاری طرفداران «یوگا» که به ریاضت و زهد مشهور بوده است، به پرستش تجسم «شیطان» در آیین هندو یعنی الهه «کالی» مشغول بوده، و خود را «فرزند کالی» یا به تعبیر بهتر «فرزند شیطان» می نامید و به این لقب خود، افتخار می نمود!

(<http://www.alvadosadegh.com/fa/article/۴۲-freemasonry/۵۷۵۸>)

یکی از پیشگامان «یوگا»، شاگرد برجسته «راما کریشنا» یعنی «سوامی ویوکاناندا (نارندراناث دوتتا)» یک فراماسون معروف است، که منابع متعددی عضویت وی را تأیید می‌نمایند. (همان منبع)

یکی دیگر از سردمداران تعلیم یوگا، بهاگوان شری راجنیش (اوشو) است و کتابی با عنوان «Secrets of Yoga: رازهای یوگا» تألیف نموده است.

از اشو، در مورد اینکه اگر خدا وجود ندارد، پس چه کسی این عالم را خلق کرده، سوالی شد، که در پاسخ گفت: نیازی نیست که کسی آن را آغاز کرده باشد، زیرا برای این کائنات آغازی وجود ندارد، و پایانی هم نیست. این شرافت جهان هستی است که آفریده نشده است. این شرافت انسان است که او آفریده نشده است. خدا یک اهانت برای جهان هستی، برای معرفت و برای همه چیز است. خدا یک تحقیر است. خدا راه حلی برای هیچ مسئله ای نیست؛ در واقع، او در دنیا بیشتر مشکل ساز است. او چیزی را حل نمی‌کند. در دنیا سیصد دین وجود دارد و همگی آنها با هم می‌جنگند. این ادیان همگی به سبب مفهوم خدا آفریده شده اند، زیرا همگی آنها مفاهیم خودشان را اختراع کرده اند. فصل اول کتاب توطئه ای به اسم خدا.

(<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=۱۵۹۵۳۴>)

آیا چنین نگاهی به خدا نشأت گرفته از چه چیزی است؟

کسانی که شاگردی شیطان را به عهده گرفته‌اند، چون دارای روح قوی و قابلیت‌های بیش از قابلیت شیطانند، در تنزل و سقوط از شیطان هم پایینتر می‌روند. از این رو به جایی می‌رسند که ملحد خواهند شد و اصلاً خدا را قبول نخواهند داشت تا به او سوگند یاد کنند. پس از نظر غرامت، انسان به جایی می‌رسد که از شیطان پایینتر می‌رود و سقوط می‌کند. (جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن ۱۳۸۶: ۱۱۹)

پیامبر اولولعزمی که کتابهای آسمانی او را به پاکی و قداست یاد کرده اند، در بیان اشو به یک دیوانه و خل که مشکل روانی دارد معرفی می‌شود، میلیاردها انسان در طول تاریخ به او ایمان آورده اند، دانشمندان و افراد معمولی که همگی مؤمنین به عیسی (ع) بوده اند و اگر عیسی خل باشد، پس طرفداران او باید از او خل تر و دیوانه تر باشند، و این توهین اشو به جمعیت کثیری از مردم دنیاست، در صورتی که خودش توهین به دیگران را نفی میکند.

باید نسبت به دیگران احترام عظیمی قائل شد. (الماسهای اشو، ص ۳۵) و تنها پیامبری که اشو همیشه از او به نیکی نام می‌برد و راه او را تعریف می‌کند زرتشت است و آن هم به یک دلیل، که او را تصدیق کننده زندگی می‌خواند.

(<http://www.tebyan.com/newindex.aspx?pid=۱۶۱۲۲۱>)

برخی از انسانها تا حدی از توحید فاصله می‌گیرند که خود عامل وسوسه در جامعه می‌شوند.

«وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۴) شیاطین، تنها از جن نیستند، بلکه گاه برخی انسانها نیز شیطان می‌شوند، بنابراین همان‌گونه که شیطان اصلی، یعنی ابلیس که از جن است انسان را به سوء و فحشا و تشریح دعوت می‌کند، ممکن است انسانهای شیطان صفت نیز فرد یا جامعه‌ای را به ارتکاب سوء و فحشا و تشریح وسوسه کنند. (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۸۸ ج ۸: ۵۲۶)

آیا این نمادها، نمادهای شیطان نیستند؟ شیطان رانده شده به انسان سجده نکرد و حال ببینید که چگونه حتی در همین حالا انسانهای جاهل را به سجده برای خود وادار کرده و با شکل‌های مختلفی مانند بت پرستی، عرفان‌های کاذب و قدرتهای ماورایی و غیره مردم نادان را به تبعیت از راه باطل خود، کشانده و ببینید که چگونه کشورهای غاصب و زورگو و ستمگر بازپچه دستش شده‌اند تا آن را به هدف دیرینه خود یعنی گمراهی و تباهی انسان بکشانند؛ البته طبق آیات شریفه شیطان نمی‌تواند از عهده بندگان خالص خداوند برآید. اَلَمْ اُعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَاَنْ اَعْبُدُوْنِي هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ. (سوره یس، آیه ۶۰-۶۱)

نتیجه‌گیری

امام خمینی(س) و آیت الله جوادی آملی دو عارف، اندیشمند و نظریه‌پرداز مهم در جهان اسلام بوده که با استناد و تبیین اندیشه‌های این دو بزرگوار در چالش‌های مختلف می‌توان بسیاری از مسائل روز را بررسی نموده و به تبیین مشکلات پیرامون جامعه‌های امروزی از منظر دین اسلام پرداخت.

در این مقاله با تأکید بر آراء و اندیشه‌های این دو بزرگوار ابتدا به توصیف مفاهیم اساسی چون تعریف دین، اهداف دین و تقسیم‌بندی مکاتب بشری و غیرتوحیدی پرداخته و سپس با اشاره به تاریخچه ادیان بشری، نموده‌های جدید از همان باورهای غیرتوحیدی که ملهم از القائلات شیطانی است که به صورتی نوین در عرصه‌های مختلف بخصوص هنر سینما بروز نموده را بیان می‌دارد.

امروزه گرچه در مباحث و موضوعات تحت محوریت دین، تحقیقات بسیاری انجام شده است اما از مواردی که پرداختن بدان ضرورت دارد و عصر کنونی به انحاء مختلف با آن رودر روست، بروز جلوه‌های جدید از همان باورها و اعتقادات بدوی است که به جهت جایگزینی با دین اصیل خصوص دین اسلام، پایه‌ریزی شده و با رنگ و رویی بسیار فریبنده و به نحوی زیرکانه نمود پیدا کرده است. در عصر کنونی اعتقاد به نیروها و الهام از جنودهای شیطانی بسیار پررنگ بوده و کاملاً هدفمند سیر خود را می‌پیماید اما نکته حائز اهمیت این است که با توجه به وجود منابع غنی فقه شیعه و تبیین آن منابع از منظر بزرگان و علمای دین راه استنباط بر ما روشن است و با تحقیق و تجزیه و تحلیل صحیح، راه هدایت و در نهایت سعادت بر جوانان و نسل‌های آینده هموار است.

قرآن کریم نیز زیربنای دین را تحقیق دانسته با این بیان که بشر از آغاز پیدایش، فطرتی مذهبی داشته است و این فطرت الهی همان توحید است و شناخت آن از طریق رهنمودهای انبیا بر انسان وارد شده است

شایان ذکر است که الهام از جن و شیاطین موضوعی است که بارها در آیات متعدد قرآن بدان پرداخته شده است، خصوص قدرت و توانایی آنان به وسیله القای مطالب پنهان و نیرنگ‌هایی که در جان‌ها ایجاد می‌کنند و قدرت و توانمندی آنان بر کارهای سخت و دشوار و باریک و دقیق. گرچه به تعبیر قرآن هدف خلقت جن و انس را منحصرأ عبادت می‌داند: وما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون؛ (سوره ذاریات، آیه ۵۶)؛ جنّ و انس را خلق نکردم، جز برای اینکه بنده من باشند و مرا عبادت کنند؛ اما به توجه به سرکشی شیطان از سجده در برابر انسان، این عدوات و دشمنی همچنان ادامه دارد؛ زیرا ابلیس بر اثر عصیان، وظیفه بندگی خود را نیز رها کرد و خود را مستقل دید پس از مقام خود سقوط کرد.

در نهایت اینکه متأسفانه در عصر حاضر گروه‌های منحرف متعددی در جهان فعالیت می‌کنند تا به واسطهٔ تئوری‌های غلط (همچون کمونیسم و لیبراسیم) از یک طرف و عرفان‌های جدید و نوظهور کاذب، ترفندهایی همچون «یوگا» و... از طرف دیگر، به تدریج انسانها را از تعالیم الهی دور کنند و مردم را به سوی اطاعت و پرستش شیطان سوق دهند. از اینرو در این برههٔ حساس تاریخ که جهان لحظه به لحظه خود را برای استقبال از منجی الهی خود آماده می‌کند، باید بیش از پیش مراقب تحرکات اصحاب شیطان و دجال احتمالی آخرالزمان (فراماسونری جهانی) بود تا مبدا در قالب‌های گوناگون اعم از فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... این یاران شیطان بخواهند تیشه به ریشهٔ ممالک اسلامی و به خصوص ایران اسلامی بزنند. این امر، توجه خاص مسئولین کشورمان و درایت مردم فهیم ایران و سایر مسلمانان جهان را می‌طلبد تا بتوانند در برابر این هجمه‌های وسیع و همه‌جانبه مقاومت نمایند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. جان بی. ناس؛ تاریخ جامع ادیان؛ مترجم: علی اصغر حکمت، چ ۹، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۳. جوادی آملی، عبدالله؛ ادب قضا در اسلام؛ محقق: حجت‌الاسلام مصطفی خلیلی؛ ویرایش: حجت‌الاسلام سعید بندعلی، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۴. _____؛ انتظار بشر از دین؛ محقق: حجت‌الاسلام محمدرضا مصطفی پور؛ چ ۶، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۵. _____؛ تسنیم (ج ۵ - تفسیر قرآن کریم، سوره بقره آیات ۶۲-۱۰۳)؛ محقق: حجت‌الاسلام احمد قدسی؛ چ ۵، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۶. _____؛ تسنیم (ج ۸ - تفسیر قرآن کریم، سوره بقره آیات ۱۵۸-۱۷۳)؛ محقق: حجت‌الاسلام حسن واعظی محمدی؛ چ ۳، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۷. _____؛ تسنیم (ج ۲ - تفسیر قرآن کریم، سوره بقره آیات ۱-۲۹)؛ محقق: حجت‌الاسلام علی اسلامی؛ چ ۶، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۸. _____؛ دین شناسی؛ محقق: حجت‌الاسلام محمدرضا مصطفی پور؛ چ ۵، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۹. _____؛ روابط بین الملل؛ محقق: حجت‌الاسلام سعید بندعلی، چ ۵، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۱۰. _____؛ شریعت در آینه معرفت؛ محقق: حجت‌الاسلام حمید پارسا نیا؛ چ ۵، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۱۱. _____؛ صورت و سیرت انسان در قرآن؛ محقق: حجت‌الاسلام غلامعلی امین دین؛ چ ۲، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۱۲. _____؛ فطرت در قرآن؛ محقق: حجت‌الاسلام محمدرضا مصطفی پور؛ چ ۳، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۱۳. _____؛ قرآن در قرآن؛ محقق: حجت‌الاسلام محمد محرابی؛ چ ۸، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۱۴. _____؛ مراحل اخلاق در قرآن؛ محقق: حجت‌الاسلام علی اسلامی؛ چ ۷، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۱۵. _____؛ معاد در قرآن (ج ۵)؛ محقق: حجت‌الاسلام علی زمانی قمشاهی؛ چ ۴، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۶. خمینی، روح‌الله؛ آداب الصلوة؛ چ ۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۳ ش.
۱۷. _____؛ ترجمه تحریرالوسیله (ج ۱)؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۱۸. _____؛ تقریرات فلسفه؛ چ ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۱۹. _____؛ چهل حدیث؛ چ ۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. _____؛ صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی)؛ چ ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۲۱. _____؛ المکاسب و المتاجر (ج ۱)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۲۲. غلامعلی آریا؛ آشنایی با تاریخ ادیان؛ چ ۲، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، ۱۳۷۷ ش.

23. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=۱۵۹۵۳۴>

24. <http://www.tebyan.com/newindex.aspx?pid=۱۶۱۲۲۱>

25. <http://fdisa.blogfa.com/post-85.aspx>

26. <http://mobinmedia.ir/.../فراماسون-پور-رائفی-استاد-سخنرانی-فیلم.html>

27. <http://mobinmedia.ir/31115/فیلم-مستند-قربانی-کردن-انسان-در-آیین-ها.html>

28. <http://www.alvadossadegh.com/fa/article/۴۲-freemasonry/۵۷۵۸>

29. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/97627/-چه-هستند-فراماسونرها-در-بیشه-بوهم-به-دنبال-چه-هستند->

عکس

30. <http://www.zahra-media.ir/raefipour>